

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و سه، دوره جدید، شماره ۵۷، پیاپی ۱۴۷، بهار ۱۴۰۲
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۳۶-۱۳

ائتلاف شکننده؛ تحلیلی بر پیروزی کاندیدای حزب توده از حوزه انتخاباتی اصفهان در انتخابات مجلس چهاردهم شورای ملی (۱۳۲۲ش / ۱۹۴۳م)^۱

محمد افقری^۲
مرتضی نورائی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۱

چکیده

در پی اشغال ایران به دست متفقین در شهریور ۱۳۲۰ هجری شمسی و با استعفای رضاشاه، انتخابات مجلس چهاردهم در فضایی کاملاً متفاوت برگزار شد. حزب توده در این دوره توانست نمایندگانی را از مناطق عمدتاً شمالی کشور که تحت اشغال نظامی ارتش سرخ بود روانه مجلس کند. در بین نامزدهای حزب توده، وضعیت تقی فداکار به عنوان داوطلب نمایندگی از اصفهان تا حدودی متفاوت بود. نخست آنکه اصفهان در مرکز کشور و خارج از حوزه نفوذ همسایه شمالی قرار داشت؛ دوم اینکه توفیق یک کاندیدای چپ‌گرا در حوزه انتخاباتی که به داشتن فرهنگی سنتی و محافظه‌کار شناخته شده بود، امری بعید می‌نمود؛ از این رو بررسی انتخابات مجلس چهاردهم در اصفهان تحقیقی مجزا می‌طلبد. پژوهش حاضر در پاسخ به پرسش که موفقیت نامزد حزب توده در این انتخابات تابع چه عواملی بود این فرضیه را مطرح می‌کند که عامل اصلی کامیابی تقی فداکار در رسیدن به نمایندگی اصفهان، ائتلافی شکننده با دو نامزد محافظه‌کار بود که از قضا به شدت با حزب توده زاویه داشتند. در

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2023.42330.2727

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.2008885.1402.33.57.1.0

۲. پژوهشگر پسادکتری تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

mohammad.afghari@gmail.com

۳. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. nouraei@tr.ui.ac.ir

این مقاله برون‌داد پژوهشی دوره پسادکتری با عنوان «تحلیل مشارکت سیاسی در انتخابات ادوار چهاردهم تا بیست و چهارم مجلس شورای ملی (۱۳۵۷-۱۳۲۲ ه.ش)، مطالعه آرشیمی» دانشگاه اصفهان در سال ۱۴۰۰ است.

این راستا با تلفیق دو روش کمی و کیفی و استخراج داده‌های مربوط به انتخابات مجلس چهاردهم در حوزه انتخابیه اصفهان از اسناد منتشر نشده آرشیو مجلس شورای ملی، تحلیلی آماری از نتایج شمارش آرا ارائه می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که برخلاف باور رایج، بخش عمده رأی فداکار مربوط به توده‌های روستایی توابع حوزه انتخابیه بود و نه جامعه کارگری شهر اصفهان، به گونه‌ای که راهیابی وی به مجلس، بدون این ائتلاف و رأی روستاها عملاً امکان‌پذیر نبود.

کلیدواژه‌ها: حزب توده، انتخابات، مجلس چهاردهم، اصفهان، تقی فداکار.

مقدمه

انتخابات مجلس چهاردهم شورای ملی به‌عنوان یکی از رقابتی‌ترین ادوار تاریخ پارلمان‌تاریسم در ایران همواره در کانون توجه مورخان و پژوهشگران تاریخ معاصر بوده است. اشغال ایران به‌دست متفقین در جریان جنگ جهانی دوم و استعفای رضاشاه از سلطنت به نفع ولیعهد، جوی از آزادی‌های سیاسی را در کشور به‌همراه داشت و سازوکارهای مرسوم در انتخاب نمایندگان هم‌سو با حکومت را از میان برداشت. در شرایطی که شاه جوان از اعمال نفوذ پدر در چینش وکلای مجلس ناتوان بود، احزاب و جریان‌های سیاسی، یک‌چند توانستند در فضای پدیدآمده کشور نقش‌آفرینی کنند. حزب توده که بلافاصله پس از کناره‌گیری رضاشاه از قدرت تأسیس شد، از شاخص‌ترین این احزاب بود و توانست در انتخابات مجلس چهاردهم موفقیت چشمگیری به دست آورد.

نامزدهای منتسب به این حزب از هفت حوزه انتخابیه ساری، بندر انزلی، لاهیجان، قزوین، فردوس، سبزوار، اصفهان و یک نفر نیز به نمایندگی از طرف ارامنه شمال به مجلس راه یافتند. این نامزدها که عبارت بودند از ایرج اسکندری، فریدون کشاورز، رضا رادمش، عبدالصمد کامبخش، ولی‌الله شهاب فردوس، محمدپروین گنابادی، تقی فداکار و آرداشس آوانسیان، در مجلس چهاردهم اقلیتی را با عنوان «فراکسیون توده» تشکیل دادند که مواضع سیاسی این حزب را نمایندگی می‌کرد و عملاً متمایل به اتحاد جماهیر شوروی بود.

در میان این چهره‌ها، تقی فداکار، نماینده حوزه انتخابیه اصفهان، چه به‌لحاظ خاستگاه جغرافیایی و چه از نظر میزان رأی‌آوری از سایرین متمایز بود. فداکار برخلاف دیگر اعضای فراکسیون توده که عمدتاً به مناطق شمالی کشور تعلق داشتند، از اصفهان می‌آمد. راهیابی نامزدهای توده‌ای‌ها از حوزه‌های انتخابیه شمال کشور که در جریان اشغال نظامی ایران، تحت تصرف ارتش شوروی قرار داشت، در سایه حمایت‌های آشکار مادی و معنوی همسایه شمالی،

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۷، بهار ۱۴۰۲ / ۱۳

رویدادی نامحتمل نیست، اما انتخاب یک نماینده توده‌ای از شهری پرجمعیت در مرکز کشور که مردمانش به داشتن تمایلات محافظه‌کارانه شناخته می‌شدند و در دوران اشغال کشور به دست متفقین، در حوزه نفوذ انگلستان بود، در خور تأمل و واکاوی بیشتر است. مضاف بر این، فداکار علی‌رغم جایگاه به مراتب نازل‌تر از شخصیت‌هایی مانند اسکندری، رادمنش یا کشاورز در سلسله‌مراتب حزبی، با رأی مردمی بسیار بالاتری به کرسی مجلس رسیده بود؛ از این روست که بررسی و تحلیل عوامل دخیل در انتخاب وی از اصفهان، رویکردی ویژه می‌طلبد.

پیشینه پژوهش

باید گفت که از نظر پیشینه پژوهشی، اثری که منحصراً مختص به تحلیل انتخابات اصفهان در مجلس چهاردهم شورای ملی باشد موجود نیست، تنها در خلال کتب و مقالات تاریخی نویسندگان معاصر می‌توان مواردی را یافت که به‌طور ضمنی به فرایند این انتخابات و چگونگی موفقیت نامزد حزب توده اشاراتی داشته‌اند.

آبراهامیان، ذیل بررسی انتخابات مجلس چهاردهم، به‌طور موجز نگاهی به حوزه انتخابیه اصفهان داشته است (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۲۴۰). صرف‌نظر از تمایلات ایدئولوژیک حاکم بر کتاب *ایران بین دو انقلاب* که ارائه یک جمع‌بندی واقع‌بینانه از علل اصلی رأی‌آوری تقی فداکار را تحت‌الشعاع قرار داده، نباید از نظر دور داشت که دست‌کم در رابطه با انتخابات اصفهان، این اثر صرفاً بر اسناد وزارت خارجه بریتانیا تکیه دارد و از سایر اسناد داخلی موجود در این زمینه بی‌بهره است.

ابطحی و کشتی‌آرا نیز در مقاله‌ای دیگر، با هدف بررسی کارنامه سیاسی تقی فداکار، وقایع انتخابات اصفهان در مجلس چهاردهم را واکاوی کرده‌اند (ابطحی و کشتی‌آرا، ۱۳۹۲: ۲۸). لیکن از آنجاکه اطلاعات این پژوهش مبتنی بر اسناد انتخابات نیست و شیوه ارجاع‌دهی آن بیشتر جنبه کتابخانه‌ای و مطبوعاتی داشته، چه از نظر آمار و ارقام و چه به‌لحاظ تحلیل روند انتخابات، با نواقصی مواجه است.

پژوهشی دیگر، با عنوان «سرگذشت گریزناپذیر اتحادیه‌های مستقل کارگری اصفهان»، با وجود آنکه به ائتلاف بین فداکار و دو نامزد محافظه‌کار اشاره می‌کند، به همان دلایل یادشده درباره منبع پیشین، نه آماری دقیق از نتایج انتخابات ارائه می‌دهد و نه تحلیل مستندی از این پدیده تبیین می‌نماید (خسر و پناه، ۱۳۸۴: ۱۱۴).

این پژوهش، با بهره‌گیری از اسناد منتشرنشده مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی و بر مبنای یک تحلیل آماری از داده‌های مستخرج از این اسناد، این فرضیات را مطرح

می‌کند که کامیابی فداکار در این انتخابات حاصل تکروی وی در مقابل تصمیمات کمیته مرکزی حزب توده و ائتلاف به‌هنگام با دو کاندیدای محافظه‌کار و ضد توده‌ای انتخابات اصفهان بود که از سید رأی شایان توجهی برخوردار بودند و برخلاف تصور رایج، بخش عمده آرای تقی فداکار که در کامیابی وی نقشی تعیین‌کننده داشت، نه متعلق به بافت کارگری شهر اصفهان که مرهون مشارکت توده‌های روستایی توابع این حوزه انتخابیه بود.

ذکر این نکته حائز اهمیت است که حوزه انتخابیه اصفهان در این دوره، سهمیه سه نماینده در مجلس شورای ملی داشت. طرح فرضیه درباره این پرسش که چرا حزب توده با همه ادعیه مقبولیت گسترده در اصفهان، از معرفی سه نامزد در انتخابات مجلس خودداری کرد نیز، در پژوهش‌های انجام‌شده تاکنون، مغفول مانده است.

در رابطه با این پرسش، فرضیه مطرح‌شده مقاله حاضر این است که حزب توده بدون تقی فداکار و کارگران حامی او، قادر به رأی‌آوری مؤثر در اصفهان نبود. در نتیجه، ائتلاف خودسرانه فداکار با دو کاندیدای محافظه‌کار، این حزب را در عمل انجام‌شده قرار داد و به‌ناچار از معرفی سه کاندیدای حزبی در انتخابات مجلس چهاردهم منصرف کرد.

حزب توده در اصفهان، پایگاه اجتماعی و چالش‌های درون‌حزبی

طی سال‌های سلطنت رضاشاه، نه کارخانه مدرن ریسندگی و بافندگی در اصفهان تأسیس شد و به تدریج این شهر را به قطب تولید منسوجات صنعتی کشور مبدل کرد (نورائی و رجایی، ۱۳۹۲: ۱۰۵). در پی جذب نیروی کار روزافزون به این کارخانه‌ها تا پایان حکومت پهلوی اول، اصفهان یکی از مراکز عمده کارگری در ایران محسوب می‌شد. با وجود چنین فرصتی، طبیعی بود که حزب توده برای نفوذ در بین کارگران اصفهانی برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای داشته باشد. تنها به فاصله اندکی پس از تأسیس این حزب در تهران، فعالیت توده‌ای‌ها در اصفهان به‌طور محتاطانه شروع شد. در میانه زمستان ۱۳۲۰ شمسی جمعی متشکل از محرم‌علی شمیمیده، از فعالان تبعیدی به اصفهان، تقی فداکار، وکیل دادگستری، نعمت‌الله بهرام‌پور و احمد کفعمی، از کارگران کارخانه‌های نساجی، به‌همراه تنی چند از سایر کنشگران سیاسی چپ‌گرا، هسته اولیه کمیته ایالتی حزب توده در اصفهان را تشکیل دادند (خسروپناه، ۱۳۸۴: ۹۸).

ظاهراً می‌توان نخستین رابط این جمع با حزب توده را علی شمیمیده دانست. وی که اصالتاً آذربایجانی و سال‌ها مقیم بندر انزلی بود، پس از دستگیری در دوره رضاشاه و مدتی حبس در تهران، به اصفهان تبعید شد. شمیمیده در بحبوحه اشغال ایران، مخفیانه تبعیدگاه خود را به قصد پایتخت ترک کرد و ضمن برقراری ارتباط با کادرهای حزبی به‌ویژه رضا روستا،

دستورالعمل‌هایی را برای پیشبرد اهداف حزب در اصفهان دریافت کرد. با این حال از آنجاکه شمیده خود می‌دانست چهره‌ای شناخته‌شده در این شهر نیست، تقی فداکار را ترغیب کرد تا مسئولیت تشکیلات تازه تأسیس را بر عهده گیرد (شمیده، ۱۳۷۳: ۱۶۹). از زمان اعلام رسمی موجودیت کمیته ایالتی حزب توده در خرداد ۱۳۲۱ تا آذرماه همان سال که اتحادیه‌های پراکنده، یک پارچه در قالب «اتحادیه کارگران اصفهان» گرد هم آمدند، تقی فداکار توانست اعتصابات متعددی را سازماندهی و امتیازاتی به نفع کارگران کسب کند (مدرسی، ۱۳۷۰: ۸۷). دستاوردهای وی در رهبری اعتصابات منجر شد تا جمع کثیری از جامعه کارگری اصفهان به اتحادیه پیوندند و به برنامه‌های حزب توده اعتماد کنند که البته موفقیت بارزی برای این حزب بود، لیکن این همه ماجرا نبود.

به‌رغم آنکه هواخواهان حزب توده اقبال کارگران اصفهانی را یکسره دستاورد جنبش چپ تحت رهبری این حزب معرفی و به‌نوعی آن را مصادره به مطلوب کرده‌اند، بررسی‌های تاریخی، توجه به نکاتی در رابطه با پایگاه اجتماعی حزب توده در اصفهان را ضروری می‌نماید. بایستی متذکر شد که انگیزه بخش عمده کارگران اصفهانی از پیوستن به اتحادیه، نه ضرورتاً فعالیت سیاسی، بلکه مطالبات اقتصادی و منافع صنفی بود (رجبی‌فرد و سلیمانی، ۱۴۰۰: ۱۱۸). نظر به فرهنگ محافظه‌کار و سنتی اصفهان، کارگران از همان آغاز با تسلط عوامل غیربومی حزب توده بر اتحادیه کارگری سر ناسازگاری داشتند؛ از این روست که مرجع تصمیم‌گیری در اتحادیه برای کارگران، نه کادرهای مرکز نشین حزبی، بلکه شخص تقی فداکار بود و او نیز بنا به تشخیص خود با این ادعا که «سوئیچ اصفهان دست من است» (شمیده، ۱۳۷۳: ۱۷۸) تا آنجا که می‌توانست از عضویت کارگران در حزب توده ممانعت می‌کرد. در چنین جوی، تلاش حزب برای ادغام اتحادیه کارگری اصفهان در «شورای متحده مرکزی اتحادیه کارگران و زحمت‌کشان ایران»، برای اکثر کارگران که «از قدیم با هرگونه سلطه تهران مخالف بودند» (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۴۴۰)، تحمل‌ناپذیر بود و به تنش‌ها دامن می‌زد.

درون کمیته ایالتی حزب توده در اصفهان نیز منازعاتی جدی وجود داشت. کمیته مرکزی مُصَرِّح بود که اتحادیه کارگران مستقیماً زیر نظر تهران عمل کند. پافشاری بر تعیین چهره‌های غیربومی مانند محمود بقراطی برای سرپرستی کمیته ایالتی اصفهان، آنجا که کارگران شهر عموماً از فداکار پیروی می‌کردند، در مجموع به ضرر توده‌ای‌ها تمام شد. بقراطی که ظاهراً با انگیزه اسطوره‌سازی و بزرگ‌نمایی‌های مرسوم در تاریخ‌نگاری حزب توده (ترابی فارسانی و توسلی کوپایی، ۱۳۸۸: ۹)، لقب «قهرمان جنوب» گرفته است (URL1)، اصالتاً اهل رشت بود. حضور وی و عباس آذری، کمونیست قدیمی آذربایجانی، به‌عنوان دو عضو از فهرست مشهور

۵۳ نفر (خامه‌ای، ۱۳۷۲: ۲۳۲)، در اصفهان بیشتر موجب ناهماهنگی و اصطکاک درونی کمیته ایالتی بود تا آنکه در راستای پیشبرد اهداف حزبی باشد.

تعارضات داخلی بین تقی فداکار به‌عنوان چهره پذیرفته‌شده کارگران اصفهانی و محمود بقراطی عامل مطمئن کمیته مرکزی حزب، نخستین بار در جریان انتخابات انجمن شهر بروز یافت. فداکار، بقراطی، آذری و تعدادی از نمایندگان کارگران کارخانه‌ها در این انتخابات نامزد شده بودند. با شروع فرایند انتخابات در ۲ مرداد ۱۳۲۲ کمیته ایالتی حزب توده شبانه حدود سه هزار کارگر را بسیج کرده و در چهل ستون، شعبه اخذ رأی، مستقر ساخت تا باتکیه بر برتری عددی در ساعات آغازین رأی‌گیری و ایجاد ازدحام، سایر اقشار شهر به‌ویژه تجار و بازاریان را از شرکت در انتخابات منصرف کند. چنین رویکردی، به زدوخوردی خونین با گروه‌های رقیب انجامید و باعث شد اعضای انجمن نظار در اعتراض به وضعیت آشفته و تأمین‌نشدن امنیت انتخابات، چهل ستون را ترک کنند. عاقبت نیز انجمن به‌دلیل نقض آزادی انتخابات، حاضر به تأیید صحت قانونی آن نشد و از شمارش آرا سرباز زد.

منازعات درونی حزب آنجا مشهود شد که تنها به فاصله دو هفته بعد از انتخابات، تقی فداکار و سایر کاندیداهای کارگری، متفقاً استعفای خود را از شرکت در انجمن شهر اعلام کردند (اصفهان، ۱۳۲۲: ۴) برخلاف فداکار و کارگران اصفهانی هوادارش، بقراطی و آذری، نامزدهای نزدیک‌تر به حزب توده که به دستور کمیته مرکزی عمل می‌کردند، انصراف نداده و در شمارش نهایی همان آرا اخذشده که به دستور استانداری و با حرف‌وحدیث بسیار همراه شد، به انجمن شهر راه یافتند (سرنوشت، شماره ۶، ۲۵ مهر ۱۳۲۲: ۴)

این فرضیه مطرح است که فداکار احتمالاً در ازای استعفای دسته‌جمعی خود و سایر کارگران از انجمن شهر، بر سر تصاحب یک کرسی نمایندگی مجلس چهاردهم با صارم‌الدوله توافق کرده باشد (خسروپناه، ۱۳۸۴: ۱۱۴). این دیدگاه غیرمنطقی به نظر نمی‌رسد. صارم‌الدوله اکبرمیرزا مسعود، فرزند ظل‌السلطان، در خلأ قدرت پس از رضاشاه، یکه‌تاز سیاست منطقه و به «سلطان بی‌تاج و تخت اصفهان» مشهور بود (منتظرالقائم و دیگران، ۱۳۹۳: ۳/۳۴) اما چنین فرضیه‌ای، این مسئله را همچنان لاینحل می‌گذارد که چرا بقراطی و آذری حاضر به استعفا از انجمن شهر نشده‌اند. جدال لفظی بین فداکار و بقراطی (شمیده، ۱۳۷۸: ۱۷۸) حکایت از واگرایی بین او با کادرهای توده‌ای غیربومی و اتحادیه کارگران اصفهان با کمیته ایالتی حزب توده دارد.

این اختلافات در جریان کارزارهای انتخاباتی مجلس چهاردهم به اوج خود رسید. بقراطی و فداکار که هر دو مدعی نمایندگی مجلس بودند، بارها برای حل اختلاف به تهران مراجعت

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۳، شماره ۵۷، بهار ۱۴۰۲ / ۱۷

کردند (صدری، ۱۳۳۰: ۲۹)، بدون آنکه کمیته مرکزی حزب توده موفق به حل مشکلات شده یا استراتژی مشخصی برای انتخابات مجلس ارائه دهد.

پس از انتخابات مجلس چهاردهم، سیر وقایع در اصفهان چندان به میل حزب توده پیش نرفت. حل اختلافات بین اصفهان و تهران تنها گوشه‌ای از معضلات کمیته مرکزی بود. آنچه لطمه جبران‌ناپذیری به مقبولیت اجتماعی این حزب در اصفهان وارد آورد، موضع‌گیری‌های سیاسی در دفاع آشکار از منافع اتحاد جماهیر شوروی بود. به‌ویژه در ماجرای امتیاز نفت شمال و تظاهرات شورای متحده در پایتخت به نفع این امتیاز، با حمایت علنی سربازان شوروی (خامه‌ای، ۱۳۷۴: ۵۱)، احساسات میهن‌دوستانه بسیاری از کارگران اصفهانی تحریک شد (صدری، ۱۳۳۰: ۷۶).

تعدادی از رهبران اتحادیه کارگری اصفهان مانند احمد کفعمی از پیش گامان فعالیت‌های سندیکایی، شمس صدری از کنشگران کارگری سرشناس اصفهان، امیر امیرکیوان که در درگیری با عوامل حزب توده یک چشم خود را از دست داد (کیانی، ۱۳۷۱: ۷۸) و حسین صرافیان، نماینده کارگران کارخانه شهرضا که عاقبت مورد سوءقصد چاقوکشان اجیرشده حزب توده قرار گرفته و جان باخت (دولت‌آبادی، ۱۳۵۰: ۲۸)، از جمله چهره‌هایی بودند که حاضر نشدند مطالبات صنفی خود را دستاویز مطامع سیاسی حزب ببینند.

اینان در دی‌ماه ۱۳۲۳ دست به انشعابی بزرگ زدند و با تأسیس اتحادیه‌ای مستقل ذیل عنوان «اتحادیه کارگران و پیشه‌وران و دهقانان اصفهان» در پایگاه اجتماعی حزب توده ضربه‌ای جدی وارد کردند. حزب توده که مطلق‌انگاران و با نگاه دوست و دشمن (محرم‌خانی و عنبرمو، ۱۳۹۳: ۱۴۷)، تنها خود را متولی امور کارگران ایران می‌دانست، با خرج مبالغ شایان توجه، تهدید، تطمیع و تحریک کارگران توده‌ای به ضرب و شتم کارگران این اتحادیه و حتی قتل صرافیان، نتوانست آن را منحل کند (صدری، ۱۳۳۰: ۱۰۰). پژوهشگران چپ‌گرا، وجود این تشکل را کم‌اهمیت نمایانده و آن را به «مماشات با کارخانه‌داران»، باج‌خواهی و بی‌توجهی به مطالبات کارگران متهم کردند (خسروپناه، ۱۳۸۴: ۱۲۶). با این حال، یکی از دلایل اصلی رویگرانی کارگران اصفهانی از حزب توده و تشکل‌های کارگری وابسته به آن پیدایش همین اتحادیه مستقل بود.

آبراهامیان ذیل دلایل عقب‌نشینی حزب توده در اصفهان اشاره‌ای به نفوذ این اتحادیه مستقل بر کارگران اصفهانی نمی‌کند (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۲۴۰). وی تضعیف موقعیت حزب توده در اصفهان، مطابق با اردیبهشت ۱۳۲۴ را به یورش حدود هزار نفر روستایی منتسب می‌کند که تحت فرمان سیدضیاءالدین طباطبایی، دفاتر اتحادیه کارگران هوادار حزب توده را

غارت کرده‌اند (همان: ۲۴۱). به‌رغم این ادعا و به‌گواهی اسناد، دفتر حزب توده در اصفهان، یک ماه قبل از این تاریخ، نه به‌دست کشاورزان توابع اصفهان، بلکه توسط کارگران مقیم اصفهان و اعضای همین اتحادیه مستقل منحل شد.

جریان از این قرار بود که توده‌ای‌ها هم‌زمان با برگزاری میتینگ اتحادیه جدیدالتأسیس رقیب در خیابان چهارباغ، به‌سمت کارگران عضو این اتحادیه سنگ‌پرانی کردند و آنان نیز در نتیجه خشم جمعی متقابلاً به محل ساختمان حزبی ریخته، ضمن اینکه اثاثیه کلوپ حزب توده را به خیابان پرتاب کردند، عباس شاهنده مدیر روزنامه فرمان، محمود بقراطی کادر رده‌بالا و حدود سی نفر دیگر از دست‌اندرکاران کمیته ایالتی حزب توده را مورد ضرب و شتم قرار داده و از اصفهان متواری کردند (صدری، ۱۳۳۰: ۱۰۰؛ طیرانی، ۱۳۸۴: ۲۷۶/۱).

گرچه هم‌زمان با انتخابات مجلس چهاردهم حزب توده در اصفهان از موقعیت مناسبی برخوردار بود، چنین می‌نماید که فداکار، پایگاه اجتماعی حزب توده را در بلندمدت متزلزل می‌دید. او دریافته بود که حمایت کارگران اصفهانی از این حزب چندان هم بی‌چون‌وچرا نیست و همیشگی نخواهد بود. افزون بر این تمایل کمیته مرکزی به کنترل فداکار و اتحادیه کارگران اصفهان توسط کادرهای غیربومی، او را به این جمع‌بندی رسانده بود که رفقای تهرانی قصد دورزدنش را دارند؛ از این‌روست که از بدو فعالیت سیاسی در اصفهان تا زمان کناره‌گیری (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۲: ۱۹۰/۲) و اخراج رسمی از حزب توده در ۱۳۲۶ شمسی (ابطحی و کشتی‌آرا، ۱۳۹۲: ۳۶)، فداکار آگاهانه خارج از قاعده حزبی بازی می‌کرد. عملکرد او در انتخابات مجلس چهاردهم و ائتلاف با دو نامزد ضدتوده‌ای از مصادیق چنین رفتاری بود.

نامزدهای انتخابات مجلس چهاردهم در اصفهان

به‌غیر از نامزدهای منتسب به حزب توده، چهره‌های سرشناس دیگری نیز داوطلب وکالت مجلس بودند. حسام‌الدین دولت‌آبادی برادرزاده میرزا یحیی دولت‌آبادی، از شخصیت‌های فرهنگی شهر اصفهان که با بسیاری از زمین‌داران محلی روابطی دوستانه داشت (دولت‌آبادی، ۱۳۵۱: ۳۳). حیدرعلی امامی، عضو پیشین انجمن شهر (رجایی، ۱۳۸۷: ۸۸)، نماینده مجلس در دوران رضاشاه و سرمایه‌دار برجسته‌ای که تجارت‌خانه‌اش نه فقط در بازار اصفهان و تهران، بلکه در لندن نیز شعباتی دایر کرده بود (همایی، ۱۳۹۰: ۵۲۳)، عزیزالله اعزاز نیک‌پی، داماد ظل‌السلطان که از ملاکان بزرگ اصفهان و چند دوره عضو و رئیس انجمن شهر بود، از همان آغاز کارزارهای انتخاباتی اعلام کاندیداتوری کردند.

به‌جز این چند تن، محمدعلی اوحدی نماینده اصفهان در ادوار یازدهم تا سیزدهم (اسامی

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۳، شماره ۵۷، بهار ۱۴۰۲ / ۱۹

نمایندگان، ۱۳۵۶: ۱۶۹)، نیز که با وجود فعالیت‌های نسبتاً مؤثر پارلمانی، هرگز نتوانست از تصویر توهین‌آمیزی که روزنامه‌نگاران اصفهانی، البته به ناحق و از سر غرض‌ورزی، از او به‌عنوان یک سده‌ی بی‌سواد ارائه می‌دادند (اصفهان، شماره ۵، ۲۲ فروردین ۱۳۲۲: ۱)، خلاص شود، مجدداً داوطلب نمایندگی شده بود. از سده، دکتر میرحامد سیادت، ریاست وقت بهداری اصفهان (نقش جهان، شماره ۳۹، ۸ آبان ۱۳۲۲: ۴) که بعدها به‌عنوان پدر طب عفونی ایران شهرت یافت هم در فهرست نامزدهای انتخابات اصفهان قرار داشت.

چهره‌های کمتر شناخته‌شده‌ای نیز به‌عنوان کاندیدا در این انتخابات مشارکت کردند. به‌عنوان مثال عبدالله شیخ‌الاسلام پسر علی‌اکبر شیخ‌الاسلام (مهدوی، ۱۳۶۷: ۳۲۶)، به‌پشتوانه سابقه نمایندگی پدرش از اصفهان در مجلس چهارم شورای ملی (مهدوی، ۱۳۸۴: ۳۵۸)، به‌صحنه آمده بود. پدرش شیخ علی‌اکبر، رئیس بلدیۀ اصفهان در دوران قاجار (جابری انصاری، ۱۳۲۱: ۳۷۶)، از علمای مسجدشاهی و بستگان آقا نجفی بود که تا پیش از به‌قدرت رسیدن رضاشاه در منطقه دامنه نفوذ بسیاری داشتند.

باین‌حال، طی دوران سلطنت پهلوی اول تأثیرگذاری سیاسی علمای مسجدشاهی در اصفهان کاملاً تحلیل رفته بود، بسیار بعید می‌نمود که شیخ‌الاسلام بختی برای موفقیت داشته باشد. کاظم سمیعی و علی مهرابی نیز نامزد انتخابات شده بودند. شخصیت اخیر گرچه در سال‌های بعد تا شهرداری اصفهان نیز پیشرفت، در این مقطع، این دو نفر، شهرت و پشتوانه اجتماعی چندانی برای توفیق در انتخابات نداشتند.

ائتلاف شکننده فداکار، دولت‌آبادی و امامی

باتوجه به تنوع نامزدهای انتخاباتی در اصفهان، به‌طور طبیعی آرا پخش می‌شد و رقابت نزدیکی بین کاندیداها شکل می‌گرفت. در یک‌سو تقی فداکار از پشتیبانی کارگران کارخانه‌های اصفهان بهره می‌برد و در سوی دیگر، حیدرعلی امامی باتوجه به خاستگاه طبقاتی خود، از حمایت تجار، بازاریان و اصناف شهر برخوردار بود. حسام دولت‌آبادی، اگرچه با سابقه تصدی پست‌های غالباً اجتماعی و فرهنگی در سازمان اداری شهر، می‌توانست رأی فرهنگیان را از آن خود کند، نقطه قوت وی اساساً رأی توده‌های شهری نبود. علاوه بر جمعیت روستایی زادگاه وی یعنی دولت‌آباد که به‌طور طبیعی حامی وی بودند، زدوبندهای حسام با مالکان برخوردار به‌ویژه خوانین خاندان برومند گزی (دولت‌آبادی، ۱۳۵۱: ۳۳) که از دیرباز در هر انتخاباتی، آرای انبوه رعایای خود را به سبد کاندیداهای مورد حمایتشان سرازیر می‌کردند (فراهانی، ۱۳۹۳: ۶۵/۵)، برگ برنده وی بود.

اعزاز نیک‌پی نیز از این قاعده مستثنی نبود. بررسی سبد رأی این کاندیدا در تحلیل عوامل شکل‌گیری ائتلاف بین فداکار، دولت‌آبادی و امامی، ضروری است. اگرچه خویشاوندی اعزاز با صارم‌الدوله برادر همسرش، عامل ترقی وی در کارزارهای انتخاباتی تلقی شده است (همایی، ۱۳۹۰: ۶۹۱)، به باور خود وی، به دلیل رقابت‌های درونی خاندان مسعود، این نسبت سببی بیش از آنکه بستری برای موفقیتش باشد، عاملی بازدارنده بود (اعزاز نیک‌پی، ۱۳۴۷: ۱۰۰). این ادعا نیازمند بحث است. پیشرفت‌های اعزاز در عالم سیاست را علاوه بر خواستگاه اجتماعی، بایستی به شم سیاسی خود وی نیز نسبت داد. نیک‌پی، بدون حمایت صارم‌الدوله هم می‌توانست رأی انبوهی از کشاورزان شاغل در املاک گسترده‌اش را وارد فرایند انتخابات کند. شاهد این قضیه آن است که او پس از شکست در انتخابات اصفهان، بی‌درنگ به‌عنوان کاندیدای شهرضا سر برآورد و باوجود آنکه در شهرضا معروفیت محلی نداشت، باز هم توانست رأی چشمگیری از روستاییان منطقه لنجان را به دست آورد (صمان شهرضا، دوره ۱۴).

نزدیک‌شدن اعزاز نیک‌پی به احمد قوام را نیز می‌توان گواه دیگری بر فراست وی در سیاست دانست. اعزاز اگرچه از تلاش برای رسیدن به کرسی وکالت مجلس چهاردهم طرفی نیست، بعدها در دولت قوام تا وزارت و معاونت نخست‌وزیری نیز پیش رفت و در دوره پانزدهم مجلس، با مطرح‌کردن خود به‌عنوان کاندیدای اصلی حزب دموکرات، بالاخره به آرزوی دیرینه‌اش رسید (اعزاز نیک‌پی، ۱۳۴۷: ۱۳۸؛ مذاکرات مجلس، ۳ دی ۱۳۲۶) و نماینده اول اصفهان شد (صمان، دوره ۱۵).

وجود همین چهار کاندیدا در حوزه‌ای که سه کرسی نمایندگی داشت کافی بود تا رقابت تنگاتنگی در انتخابات پدید آید؛ بنابراین، فداکار اگر قصدی جدی برای نمایندگی مجلس داشت به‌ناچار باید با سایر کاندیداها ائتلاف می‌کرد، زیرا سبد رأی وی تنها شامل کارگران بود. برآوردهای متفاوتی از تعداد کارگران شاغل در صنایع نساجی اصفهان در این مقطع ارائه شده است. دقیق‌ترین برآورد را می‌توان از آماری که به سال ۱۳۲۴ شمسی احصا شده به دست آورد که تعداد کارگران شاغل در کارخانه‌های نه‌گانه اصفهان را چیزی حدود ۱۰۲۰۰ نفر می‌داند (رجایی ۱۳۹۳: ۱۳۲).

ارزیابی دیگری از ساختار طبقاتی ایران، اعضای اتحادیه کارگران اصفهان را تا ۱۴ هزار نفر برآورد کرده است. (برزین، ۱۳۷۳: ۲۰) این اعداد را می‌توان کم‌وبیش برای آبان ۱۳۲۲ یعنی زمان برگزاری انتخابات مجلس چهاردهم معتبر دانست. از این تعداد بایستی آمار زنان، کودکان و کارگران زیر بیست سال را که حق رأی نداشتند کم کرد و البته جمعیت کارگرانی را که در

سایر صنوف و نهادها، مثلاً اداره سیلو یا کارگاه‌های سنتی و دستی فعال بوده‌اند، بدان افزود. با این اوصاف، فداکار در حالت مطلوب می‌توانست چیزی بین ۱۰ تا ۱۲ هزار رأی در اصفهان کسب کند. نتایج شمارش آرا در شهر نیز مؤید همین مطلب است.

با این تعداد رأی‌دهنده نه تنها برای فداکار، بلکه برای هیچ نامزد دیگری که سبد رأی وی تنها متکی به توده‌های شهری باشد، اقبالی متصور نبود. حوزه انتخابیه اصفهان در انتخابات مجلس چهاردهم، علاوه بر شهر، شامل توابع پرجمعیتی مانند برخوار، اردستان، جی و برزرو، کوهپایه، ماربین و رودشتین می‌شد. تا پیش از تحولات جمعیتی کشور، خصوصاً اصلاحات ارضی که موجی از مهاجرت روستاییان به شهرها را در پی داشت (الهیاری، ۱۳۹۱: ۳۴)، جمعیت رأی‌دهنده روستایی در این حوزه انتخابیه، بر جمعیت شهری غلبه‌ای قاطع داشت. به‌طور سنتی رأی روستاها به اشاره خوانین و به نفع کاندیداهای حامی منافع عمده مالکان، روانه صندوق‌ها می‌شد. این پدیده که بیش‌وکم در کل کشور مشهود بود و از آن با عنوان تحقیرآمیز رأی «گوسفندوار» یاد می‌شد، همواره مورد انتقاد روشنفکران و ارباب جراید اصفهان قرار می‌گرفت (ارژنگ، شماره ۳، ۲۲ فروردین ۱۳۰۴: ۱).

با وجود همه این اعتراضات، واقعیت حاکم بر جریان انتخابات در ایران چنین بود که خوانین و ملاکان هر منطقه، با صرف هزینه‌ای اندک و سازماندهی مناسب، می‌توانستند رأی توده‌وار رعایای خود را در انتخابات به کار اندازند. اصفهان نیز از این قاعده پیروی می‌کرد. نظر به رونق نسبی اقتصاد کشاورزی اصفهان (شفقی، ۱۳۸۱: ۲۴۵)، روابط ارباب-رعیتی در این نقطه از کشور پیشینه‌ای دیرینه داشت (لمبتن، ۱۳۶۲: ۴۷۴ و ۴۶۲) که تا انقلاب سفید عملاً به قوت خود باقی ماند.

نرخ مشارکت رأی‌دهندگان توابع حوزه انتخابیه که مصلوب‌الاراده رأی خود را در اختیار زمین‌داران قرار می‌دادند، گاه تا سه برابر مشارکت نسبتاً آزادانه و آگاهانه‌تر توده‌های شهری فزونی می‌یافت؛ از این رو، تنها بخت نمایندگی برای کاندیداهایی محتمل بود که می‌توانستند از حمایت مالکان عمده برخوردار شوند. این مسئله می‌تواند در تحلیل انگیزه‌های فداکار به ائتلاف با کاندیداهای غیرتوده‌ای مفید واقع شود.

شمیده مدعی است که فداکار ضمن ملاقات با صارم‌الدوله، به ملاک بزرگ اصفهان فهمانده است که «ما با کاندیدای شما کاری نداریم و شما هم با ما کار نداشته باشید» (شمیده، ۱۳۷۳: ۱۸۳). به‌رغم این ادعا، فداکار مشخصاً با هدف یک معامله سیاسی سرنوشت‌ساز با اکبر مسعود دیدار کرده بود. چنانچه گذشت، کمیته مرکزی حزب توده تمایل داشت تا محمود بقراطی را به‌عنوان کاندیدای نمایندگی اصفهان معرفی کند و این مسئله منجر به اعتراض فداکار شده بود

که نمایندگی اصفهان را حق خود می‌دانست. در چنین شرایطی تقی فداکار با دو کاندیدای محافظه‌کار مورد حمایت صارم‌الدوله، یعنی دولت‌آبادی و امامی ائتلاف کرد و حزب توده را در عمل انجام‌شده قرار داد.

اینک حزب یا باید فداکار را اخراج و بر انتخاب بقراطی و شکل دادن ائتلافی تماماً توده‌ای پافشاری می‌کرد یا با انتشار اعلامیه‌ای تنها به دفاع از فداکار (و نه ائتلاف او با محافظه‌کاران و سرمایه‌داران) بسنده می‌کرد. راه معقول برای حزب انتخاب روش دوم بود (صدری، ۱۳۳۰: ۲۹). اتخاذ هر سیاست دیگری، تفاوت آرا ائتلاف دولت‌آبادی، امامی، فداکار را با آرا فهرست مورد حمایت حزب توده آشکار و وزن واقعی رأی این حزب را در اصفهان مشخص می‌کرد. اتفاقی که نه تنها باعث سرخوردگی طرف‌داران حزب توده می‌شد، چه بسا شانس داشتن همان یک نامزد کمتر مطلوب را نیز به مخاطره می‌انداخت.

فداکار واقف بود که برخلاف انتخابات انجمن شهر، در انتخابات مجلس، این رأی توابع است که نتیجه نهایی را رقم خواهد زد. این مسئله می‌تواند انگیزه‌های وی از گفت‌وگو و توافق با صارم‌الدوله، بر سر انصراف از انتخابات انجمن شهر را تبیین کند. با ارائه این تحلیل، می‌توان دریافت که چرا حزب توده در حوزه انتخابیه اصفهان که سه نماینده داشت تنها به کاندیداتوری فداکار بسنده کرد و دیگر صحبتی از نمایندگی بقراطی به میان نیامد. موضوع وقتی ابعاد روشن‌تری به خود می‌گیرد که بدانیم کادرهای مؤثر حزبی، به‌ویژه بقراطی و اطرافیان‌ش همچنان از سیر وقایع مکدر بوده و برخلاف بیانیه حزب، اساساً به فداکار رأی نداده‌اند (صدری، ۱۳۳۰: ۳۰).

این ائتلاف برای دو کاندیدای راست‌گرا نیز بی‌منفعت نبود. مهم‌تر از همه آنکه دولت‌آبادی و امامی می‌توانستند بر روی رأی چشمگیر کارگران اصفهانی حساب باز کنند. چنانچه گذشت رأی کارگران، نتیجه انتخابات انجمن شهر را رقم زده بود. به‌علاوه، برخورداری از حمایت کارگران می‌توانست چهره‌ای مترقی و متفاوت با نمایندگان عصر رضاشاه از آنان به نمایش درآورد. با این همه، از آنجاکه سنخیتی بین باور و منش سیاسی فداکار با دولت‌آبادی و امامی وجود نداشت این ائتلاف بسیار ناپایدار و شکننده بود. تنها چندی پس از انتخابات، اعضای ائتلاف در مجلس مقابل یکدیگر صف‌آرایی کردند. دولت‌آبادی عملکردی محافظه‌کارانه و ضدکمونیستی داشت. وی با اتحادیه کارگران، پیشه‌وران و دهقانان اصفهان همراهی می‌کرد و با کمک مالی ملاکان، اتحادیه کشاورزان را تأسیس کرد که موضعی شدیداً علیه حزب توده داشت (دولت‌آبادی، ۱۳۵۰: ۲۷؛ کتابی ۱۳۷۷: ۱۶۱). امامی نیز میلیونی سرشناس بود که تفکر چپ، امثال وی را موجب فقر و فاقه و بانی استثمار طبقه کارگر معرفی می‌کرد. ائتلاف فداکار

با این دو چهره که در متون رسمی حزب توده به عنوان «عوامل ارتجاع» تلقی می‌شدند، حتی برای کارگران هوادارش نیز ثقیل می‌نمود.

انتخابات مجلس چهاردهم در اصفهان

دو هفته پس از انتخابات پرحرف و حدیث انجمن شهر، در ۱۷ مرداد ۱۳۲۲ انجمن نظار انتخابات حوزه انتخابیه اصفهان با دستور فرج‌الله بهرامی، استاندار وقت و دعوت از نمایندگان طبقات شش‌گانه و معتمدان محلی شهر منعقد شد. برخلاف نظر آبراهامیان (۱۳۸۹: ۲۴۲)، رئیس انجمن نظار انتخابات صارم‌الدوله نبود. این سمت طی رأی‌گیری مخفی اعضای انجمن، ابتدا با اکثریت آرا به علم‌الهدی شیرازی اختصاص یافت، اما وی به دلایل نامعلومی از ریاست انجمن استعفا کرد و سید عبدالعلی عقدایی، متولی مدرسه علمیه نیم‌آورد جایگزین او شد. اعزاز نیک‌پی که خود کاندیدای انتخابات بود به عنوان نایب‌رئیس و ملاذالاسلام، احمد عرفان و مجتبی دولت‌آبادی، پسرعموی حسام‌الدین دولت‌آبادی کاندیدای دیگر انتخابات، به سمت منشی‌گری انجمن برگزیده شدند (صمان، دوره ۱۴).

مقارن با ایام تبلیغات، نشانه‌هایی از ائتلاف فداکار، دولت‌آبادی و امامی در مطبوعات محلی اصفهان به چشم می‌خورد. روزنامه اصفهان به سردبیری امیرقلی امینی، درحالی‌که چهار نامزد انتخاباتی را برای نمایندگی اصفهان توصیه می‌کرد، چنین نوشت: «حسام دولت‌آبادی، تقی فداکار، حیدرعلی امامی، اعزاز نیک‌پی هر چهار نفر برای نمایندگی دوره چهاردهم صلاحیت دارند، ای کاش شهر اصفهان چهار نماینده داشت، ولی شما به ذوق و سلیقه خودتان سه نفر از این چهار نفر را انتخاب کنید.» (اصفهان، شماره ۴۸، ۹ آبان ۱۳۲۲: ۲) جریده سرنوشت به مدیریت جواد مجدزاده صهبا، پسر مجدالاسلام کرمانی، از مشروطه‌خواهان برجسته، در سرمقاله‌ای با عنوان «کاندیدای ما»، ضمن بیان اهمیت انتخابات پارلمانی و شمه‌ای از آزادی‌خواهی پدرش، تمام‌قد از کاندیداتوری حسام‌الدین دولت‌آبادی دفاع کرد (سرنوشت، شماره ۹، ۱۶ آبان ۱۳۲۲: ۱). چندی بعد که زمزمه ائتلاف دولت‌آبادی با فداکار و امامی بر سر زبان‌ها افتاد، سرنوشت در حمایت از این ائتلاف، اما همچنان با محوریت حسام دولت‌آبادی موضع‌گیری کرده و به فعالیت تبلیغاتی پرداخت (سرنوشت، شماره ۱۰، ۲۳ آبان ۱۳۲۲، ۱).

روزنامه نقش‌جهان به‌غیراز دولت‌آبادی، نامزدهای دیگری از جمله اعزاز نیک‌پی و عبدالله شیخ‌الاسلام را توصیه می‌کرد (نقش‌جهان، شماره ۴۰، ۱۱ آبان ۱۳۲۲: ۳). تنها احمد عرفان مدیر مسئول روزنامه عرفان، شاید از آن‌جهت که خود دست‌اندرکار برگزاری انتخابات بود، به‌منظور جلوگیری از ایجاد شائبه جانب‌داری، بی‌طرفی را در روزنامه‌اش حفظ کرد و برای

نامزد خاصی تبلیغ نمی‌کرد. هرچند او هم ظاهراً منعی در انعکاس نظرات و تبلیغات دیگران نمی‌دید (عرفان، شماره ۲۱۸۴، ۲۵ آبان ۱۳۲۲: ۱). در مجموع، نام‌های مشترکی که در مطبوعات مطرح شده و احتمال نمایندگی‌شان می‌رفت، این چهار نفر بودند: دولت‌آبادی، اعزاز نیک‌پی، فداکار و امامی. با توجه به سه کرسی حوزه انتخابیه اصفهان، یکی از این افراد قطعاً حذف می‌شد.

واقعۀ مهمی که در گرماگرم انتخابات اصفهان بروز کرد، تمارض استاندار به کسالت مزاج بود. بهرامی که در آغاز با صدور بیانیه‌ای قول تأمین آزادی انتخابات را داده بود (نقش جهان، شماره ۳۷، ۱ آبان ۱۳۲۲: ۱)، هم‌زمان با برگزاری انتخابات، وقتی که دخالت‌های بی‌رویه ملاکان را به عینه دید، با وانمودکردن به حملۀ عصبی و از دست دادن قدرت تکلم، میدان را خالی کرد و برای معالجه راهی تهران شد (شهیدی، ۱۳۵۱: ۴۶؛ ۱۳۵۲: ۱۰۸). در غیاب وی، صارم‌الدوله در نقش استاندار بی‌حکم و امضای اصفهان عمل کرده و با تشکیل جلسه در استانداری زمام امور را به دست گرفت.

چنین می‌نماید که بهرامی از عواقب دخالت‌های غیرقانونی، شاهزاده قاجار در انتخابات بیمناک شده و ترجیح داده با این ترفند از خود سلب مسئولیت کند. طرفه آنکه با پایان اخذ رأی و آغاز شمارش آرا، وضعیت استاندار نیز به رو به بهبود گذاشت و روزنامه اصفهان گزارش داد: «کسالت ایشان رفع و به انجام امور استانداری مشغول گشته‌اند» (اصفهان، شماره ۵۴، ۳۰ آبان ۱۳۲۲: ۴).

رخداد دیگری که مؤید تسلط حوزه مرکزی و به تبع آن صارم‌الدوله، بر روند انتخابات و جهت‌دهی آرا به نفع این ائتلاف است، نحوه استقرار صندوق در بلوک ماربین بود. سده، مرکز اصلی جمعیتی این بلوک در انتخابات دو کاندیدای بومی داشت. محمدعلی اوحدی و دکتر میرحامد سیادت هر دو از پشتیبانی بسیاری در این منطقه برخوردار بودند. معضلات انتخابات در ماربین از آنجا شروع شد که انجمن فرعی و محل اخذ رأی این حوزه که عرفاً و طبق سنت ادوار پیشین در سده تشکیل می‌شد، این بار با تصمیم انجمن مرکزی و ظاهراً به صلاحدید اکبر مسعود، به صورت سیار بین رهنان و سده تعیین شد.

این عمل منجر می‌شد اهالی منطقه پرجمعیت سده، روزهای کمتری برای شرکت در انتخابات فرصت داشته باشند. به علاوه، رهنان از مناطقی بود که زمین‌های کشاورزی و طبیعتاً رأی رعایای آن، عمدتاً تحت کنترل خاندان قهرمان، از منسوبان به ظل‌السلطان بود (افقری، ۱۳۹۸: ۱۴۶). در حین برگزاری انتخابات، زمانی که عده‌ای از اهالی سده برای ریختن آرا خود به صندوق رهنان مراجعه کردند «مردم آن قریه به‌عنوان اینکه شما ساکن سده هستید و باید

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۷، بهار ۱۴۰۲ / ۲۵

همان‌جا رأی خود را در صندوق ریخته باشید از آن‌ها جلوگیری می‌نمایند. در نتیجه نزاع سختی واقع و یک نفر در اثر ضرباتی که به سرش وارد می‌آید مقتول و چند نفر دیگر مجروح می‌شوند» (اصفهان، شماره ۵۲، ۲۳ آبان ۱۳۲۲: ۴). به نظر می‌رسد صارم‌الدوله با علم به اینکه ائتلاف مورد حمایتش در مابین رأی‌چندان نخواهد آورد، به چنین سیاستی روی آورده است.

به هر روی تردیدی نیست که انتخابات اصفهان در فضایی تحت نفوذ و کنترل صارم‌الدوله انجام گرفت. نتایج شمارش آرا مطابق با صورت‌مجلس انجمن نظار انتخابات که در ۵ آذر ۱۳۲۲، اعلام نهایی شد، چنین بود: (صمان، دوره ۱۴).

جدول ۱. نتایج انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی در حوزه انتخابیه اصفهان

نام داوطلب	تعداد آرا
تقی فداکار	۳۰۴۲۴
حسام‌الدین دولت‌آبادی	۲۹۷۵۴
حیدرعلی امامی	۲۸۳۵۶
عزیزالله اعزاز نیک‌پی	۱۵۶۶۸
محمدعلی اوحدی	۴۱۴۳
کاظم سمیعی	۲۲۲۷
علی مهرابی	۱۰۶۶
سیدمهدی فاطمی	۷۷۴
میرحامد سیادت	۵۵۳
کل آرا	۴۰۱۳۳

به نظر می‌رسد که استراتژی فداکار در مواجهه با کمیته ایالتی حزب توده موفقیت‌آمیز بوده است، بقراطی سرانجام با واقعیت کنار آمده و از کاندیداتوری در انتخابات مجلس منصرف شد. عباس آذری نیز مطابق صورت‌مجلس تدوین شده انجمن نظار، در شمارش نهایی آرا، تنها با ۳۵ رأی جایگاه تحقیرآمیز هجدهم را به خود اختصاص داد (صمان، دوره ۱۴).

تحلیل آماری نتایج انتخابات با تأکید بر نقش ائتلاف نامزدهای پیروز در یک نگاه اجمالی، مشاهده می‌شود که پیروزهای نهایی انتخابات، کاندیداهای مؤتلف و مورد حمایت صارم‌الدوله بوده‌اند. همبستگی معنادار بین تعداد آرای فداکار، دولت‌آبادی و

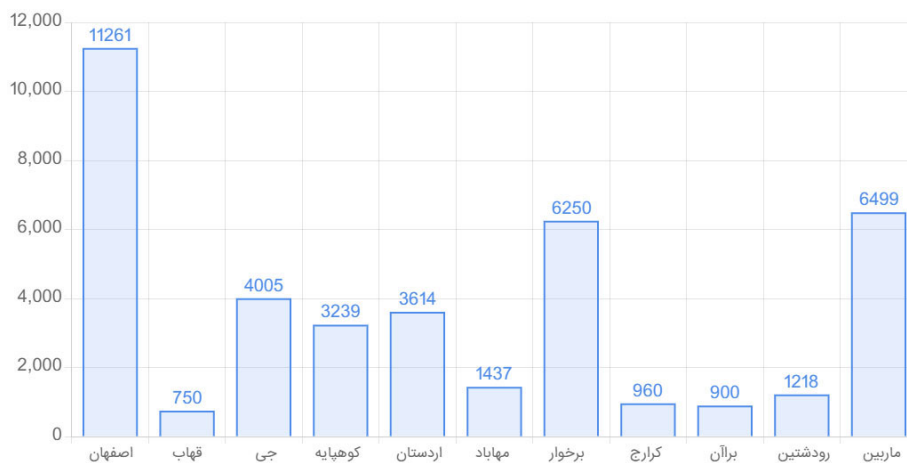
۲۶ / ائتلاف شکننده؛ تحلیلی بر پیروزی کاندیدای حزب توده از حوزه انتخابیه اصفهان در ... / افقری و ...

امامی و فاصله این آرا با نفر چهارم یعنی عزیزالله اعزاز نیک‌پی، به لحاظ کمی مؤید وجود چنین ائتلافی است. طبق اطلاعات مستخرج از صورت‌مجلس انجمن نظار انتخابات، از ۲۱ هزار برگه تعرفه تخصیص داده شده به شهر اصفهان (عرفان، شماره ۲۱۷۳، ۵ آبان ۱۳۲۲: ۱)، تنها اندکی بیش از ۱۱ هزار تعرفه استفاده شده بود (صمان، دوره ۱۴).

جدول ۲. تعداد تعرفه توزیع شده و آرای مأخوذه به تفکیک شعبه

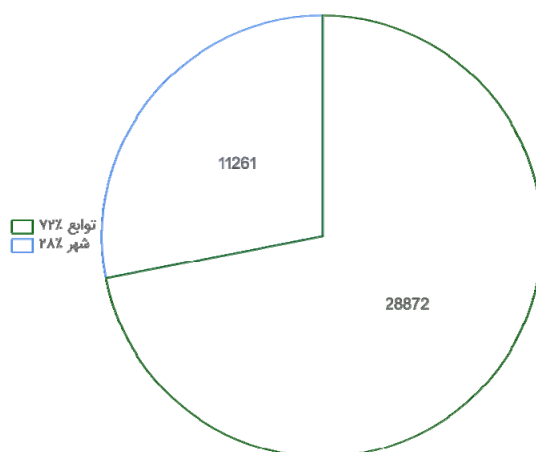
نام حوزه	تعرفه توزیع شده	آرای مأخوذه	آرای سفید و ناخوانا	آرای اضافی
اصفهان	۱۱۲۶۱	۱۱۲۶۱	۱۴۳	ندارد
قهاب	۷۵۰	۷۵۳	ندارد	۳
جی و برزروود	۴۰۰۵	۴۰۰۵	۵	ندارد
کوهپایه	۳۲۳۹	۳۲۳۹	۳	ندارد
اردستان	۳۶۱۴	۳۶۲۵	ندارد	۱۱
مهاباد	۱۴۳۷	۱۴۴۸	ندارد	۱۱
برخوار	۶۲۵۰	۶۴۰۳	ندارد	۱۵۳
کرارج	۹۶۰	۹۶۰	ندارد	ندارد
برآآن	۹۰۰	۹۰۰	ندارد	ندارد
رودشتین	۱۲۱۸	۱۲۱۸	ندارد	ندارد
ماربین	۶۴۹۹	۶۵۰۴	ندارد	۵
مجموع	۴۰۱۳۳	۴۰۳۱۶	۱۵۱	۱۸۳

بلااستفاده ماندن حدود نیمی از تعرفه‌های اخذ رأی در شهر اصفهان نشان می‌دهد علی‌رغم تشویق مطبوعات به مشارکت، شهرنشینان از نخستین انتخابات پس از استعفای رضاشاه چندان استقبال نکرده‌اند. انجمن مرکزی به موازات تلاش برای بالابردن رأی توده‌های شهری، چنانچه شرح آن درباره حوزه فرعی ماربین گذشت، سعی در جهت‌دهی رأی توابع به نفع ائتلاف فداکار، دولت‌آبادی و امامی داشت. در ادوار گذشته، برتری رأی توابع نسبت به شهر امری عادی بود. گاه اتفاق می‌افتاد که تنها رأی حوزه روستایی برخوار به بیش از دو برابر حوزه شهری می‌رسید و این در حالی است که وزن رأی ماربین به مرکزیت سده تقریباً با برخوار برابری می‌کرد (صمان، دوره ۶).



نمودار ۱. تعداد تعرفه توزیع شده در حوزه‌های اصلی و فرعی

غلبه رأی توابع بر شهر اصفهان تا انتخابات مجلس بیستم همچنان ادامه یافت، با این وجود در دوره بحث شده، هرچند در مجموع رأی توابع با قاطعیت از رأی شهر پیشی جسته بود، به نسبت ادوار پیشین چشمگیری داشت. مطابق جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود که نه برخوار و نه ماریین به عنوان کانون‌های جمعیتی حوزه انتخابیه، نتوانسته‌اند رأی در حد شهر اصفهان به صندوق بیندازند. میزان تعرفه توزیع شده و مقایسه وزن رأی شهر و توابع، به ترتیب در نمودار میله‌ای شماره ۱ و نمودار دایره‌ای شماره ۲ نمایش داده شده است.



نمودار ۲. مقایسه وزن رأی شهر و توابع

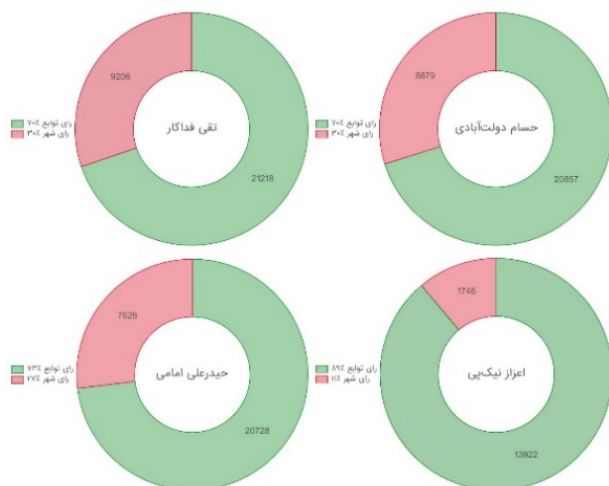
طبیعتاً همه ۱۱ هزار رأی شهر را نیز نمی توان متعلق به کارگران دانست و باید سهمی هم برای مشارکت سایر طبقات جامعه به ویژه اصناف و بازاریان منظور کرد. حتی اگر تعداد افرادی را که به گواهی شاهدان عینی انتخابات، به طور غیرقانونی، مکرراً در حوزه مرکزی رأی داده اند، نادیده انگاریم (نقش جهان، شماره ۴۴، ۲۵ آبان ۱۳۲۲: ۱)، جمع آرا مأخوذه در کل حوزه انتخابیه بالغ بر ۴۰ هزار رأی بود که سهم رأی شهر در این میان تنها حدود ۲۸ درصد محاسبه می شود.

آمار تفکیکی رأی کاندیداها در شهر و مقایسه آن با رأی توابع نمای دقیق تری از انتخابات عرضه می کند. داده های جدول شماره ۳ که هم زمان از صورت مجلس انجمن نظار انتخابات و مطبوعات محلی اصفهان به دست آمده (صمان، دوره ۱۴؛ اصفهان، شماره ۵۵، ۳ آذر ۱۳۲۲: ۴)، نشان می دهد که بخش عمده آرای فداکار و دو نامزد مؤتلف وی، رأی جامعه کارگری نیست، بلکه مربوط به روستاییان حوزه انتخابیه است که حزب توده در بین آنان نفوذ چندانی نداشت.

جدول ۳. نتیجه شمارش آرای کاندیداها به تفکیک شهر و توابع

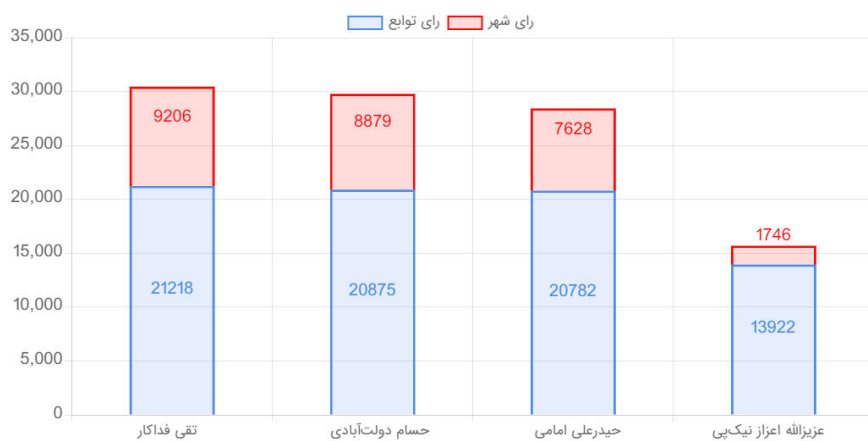
نام داوطلب	رأی شهر	رأی توابع
فداکار	۹۲۰۶	۲۱۲۱۸
دولت آبادی	۸۸۷۹	۲۰۸۷۵
امامی	۷۶۲۸	۲۰۷۲۸
اعزاز نیک پی	۱۷۴۶	۱۳۹۲۲
اوحدی	۵۵۸	۳۵۸۵
سمیعی	۶۳۵	۱۵۹۲
کل آرا	۱۱۲۶۱	۲۸۸۷۲

این داده ها به منظور بررسی تطبیقی برای چهار نامزد اول انتخابات در نمودار شماره ۳ به نمایش درآمده اند.



نمودار ۳. مقایسه وزن رأی شهر و توابع ۴ کاندیدای اول

مؤتلفان تقریباً ۷۰ درصد آرای خود را در توابع و ۳۰ درصد آن را در شهر به دست آورده‌اند. این وضعیت درباره کاندیدای چهارم یعنی نیکبانی تغییر می‌کند. وی به‌عنوان کاندیدای منفرد، تنها ۱۱ درصد آرای خود را از شهر به دست آورده و ۸۹ درصد سبد رأیش را مدیون روستاییان بود. همین مسئله از دید کمی بازگوکننده آن است که کارگران طرفدار فداکار در شهر غالباً به امامی و دولت‌آبادی هم رأی داده‌اند، ولی از انتخاب اعزاز نیکبانی امتناع کرده‌اند.



نمودار ۴. مقایسه وزن رأی شهر و توابع

قریب به چهارده هزار رأی اعزاز نیک‌پی در توابع نشان می‌دهد که تنها رأی نفر چهارم در توابع رأی نفر اول در شهر را شکست می‌داد. براین اساس، موفقیت فداکار بدون ائتلاف با امامی و دولت‌آبادی تقریباً غیرممکن بود. جالب‌تر آنکه فداکار بیشتر از دو کاندیدای محافظه‌کار به این ائتلاف نیاز داشت. حتی اگر همه رأی توده شهری دولت‌آبادی و امامی را محصول ائتلاف با فداکار و مختص کارگران بدانیم و آن را کسر کنیم، باز هم این دو به مدد رأی روستاها به مجلس راه می‌یافتند. اما عکس این قضیه صادق نیست، چون فداکار بدون رأی توابع در انتخابات چهارم می‌شد و کرسی نمایندگی را به اعزاز نیک‌پی واگذار می‌کرد. بنابراین تحلیل آماری، دو فرضیه بررسی شده در این پژوهش تأیید می‌شوند که اولاً فداکار نمایندگی‌اش را مدیون تکروی در برابر حزب توده و ائتلاف به موقع با نامزدهای محافظه‌کار بود و ثانیاً به‌رغم باور پیشین درباره اینکه تکیه بر رأی جامعه کارگری، کاندیدای حزب توده را به صحن بهارستان رسانده است، پیروزی فداکار بیشتر مدیون رأی توده‌وار روستاییان توابع اصفهان بود.

نتیجه‌گیری

در میان راه‌یافتگان به مجلس چهاردهم شورای ملی از میان کاندیداهای منتسب به حزب توده، تقی فداکار، نماینده اصفهان، چه به لحاظ جغرافیایی و چه از منظر میزان رأی‌آوری، چهره‌ای متمایز شمرده می‌شود. نمایندگان توده‌ای عمدتاً از حوزه‌های انتخابیه مناطق شمالی کشور به کرسی مجلس در بهارستان دست یافتند که در جریان اشغال ایران به دست متفقین، تحت سلطه ارتش سرخ بود. به‌رغم اینان، فداکار از حوزه انتخابیه اصفهان می‌آمد که در مرکز کشور قرار داشت و به داشتن فرهنگی سنتی و محافظه‌کار شناخته می‌شد. این در حالی است که وی، به لحاظ میزان رأی‌آوری نیز نسبت به سایر نمایندگان حزب توده و مشخصاً شخصیت‌های شناخته‌شده‌تری مانند ایرج اسکندری، رضا رادمنش و فریدون کشاورز برتری چشمگیری داشت. فداکار در حالی توانست در اصفهان بالغ بر ۳۰ هزار رأی به دست آورد که از منظر بافت جمعیتی، در حالت خوش‌بینانه تنها نیمی از این رقم را می‌توانست از سبد رأی جامعه کارگری اصفهان کسب کند. شواهد نشان می‌دهد که در این انتخابات تقی فداکار برخلاف تصمیمات حزب توده و با تشخیص فردی، برای رأی‌آوری به ائتلافی شکننده با دو نامزد محافظه‌کار دیگر، یعنی حسام‌الدین دولت‌آبادی و حیدرعلی امامی دست زد. ائتلافی که حزب توده حاضر به حمایت از آن نشد. اختلافات درونی کمیته ایالتی حزب توده با اتحادیه کارگران اصفهان، وقوف فداکار به این واقعیت که بدون رأی توابع نمی‌توان در انتخابات اصفهان پیروز

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۳، شماره ۵۷، بهار ۱۴۰۲ / ۳۱

شد و پافشاری غیرمعقول کمیته مرکزی حزب توده برای کاندیداتوری چهره‌های غیربومی مانند محمود بقراطی در انتخابات مجلس در حوزه انتخابیه اصفهان، منجر شد تا تقی فداکار در اقدامی غافلگیرکننده با صارم‌الدوله، شاهزاده قاجاری و بزرگ‌ترین ملاک اصفهان، وارد مذاکره شود و در ازای تعهداتی مبنی بر انصراف از انتخابات انجمن شهر، حمایت وی را در قالب ائتلاف با دو کاندیدای محافظه‌کار دیگر برای نمایندگی مجلس به دست آورد. بررسی آماری داده‌های مستخرج از اسناد انتخاباتی مجلس چهاردهم شورای ملی در اصفهان، مؤید آن است که برخلاف باور رایج در پژوهش‌های گذشته، کامیابی تقی فداکار در این انتخابات بیشتر از آنکه محصول حمایت حزب توده و رأی جامعه کارگری شهر باشد، نتیجه مشارکت در همین ائتلاف و بهره‌مند شدن از رأی روستاییان توابع اصفهان بود. این تک‌روی سیاسی، هرچند فداکار را با بالاترین رأی به‌عنوان یک نماینده توده‌ای به کرسی مجلس چهاردهم رساند، در بلندمدت برای وی تبعات نامطلوبی داشت. در انتخابات مجلس پانزدهم فداکار نه تنها حمایت حزب توده را از دست داد و برای همیشه از رسیدن به نمایندگی مجلس بازماند، بلکه چیزی نگذشت که اخراج رسمی از حزب، عملاً به حیات سیاسی وی پایان داد.

منابع

الف. کتاب‌ها و مقالات

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۴) *ایران بین دو انقلاب*، تهران: نشر نی.
- ابطحی، سیدعلیرضا؛ کشتی‌آرا، کیمیا (۱۳۹۲) «گذری اجمالی بر عملکرد تقی فداکار عضو اتحادیه کارگری حزب توده در اصفهان (۱۳۲۰-۱۳۳۲)»، *تاریخ*، (۳۱)، ۴۲-۱۷.
- اسامی نمایندگان (۱۳۵۶) *اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی از آغاز مشروطیت تا دوره ۲۴ قانون‌گذاری*، تهران: بی‌نا.
- اعزاز نیک‌پی، عزیزالله (۱۳۴۷) *تقدیر یا تدبیر؛ خاطرات اعزاز نیک‌پی*، تهران: ابن‌سینا.
- افقری، محمد (۱۳۹۸) تحلیل مشارکت سیاسی در انتخابات ادوار پنجم تا بیست و چهارم مجلس شورای ملی (۱۳۰۲-۱۳۵۷) (مورد مطالعه: حوزه انتخابیه اصفهان)، رساله دکتری گروه تاریخ، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- الهیاری، فریدون (۱۳۹۱) *مبانی تاریخ اجتماعی ایران*، آبادان: پرسش.
- برزین، سعید (۱۳۷۳) «ساختار سیاسی - طبقاتی و جمعیتی در ایران»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، (۸۲ و ۸۱)، ۲۱-۱۴.
- ترابی فارسانی، سهیلا؛ توسلی کوپایی، مریم (۱۳۸۸) «درآمدی بر تاریخ‌نگاری حزب توده»، *تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری*، دانشگاه الزهراء (س)، ۱۹(۴)، ۲۴-۱.

۳۲ / ائتلاف شکننده؛ تحلیلی بر پیروزی کاندیدای حزب توده از حوزه انتخابیه اصفهان در ... / افقری و ...

- جابری انصاری، حسن (۱۳۲۱) *تاریخ اصفهان و ری و همه جهان*، اصفهان: مجله خرد. خامه‌ای، انور (۱۳۷۲) *خاطرات سیاسی انور خامه‌ای*، تهران: گفتار.
- _____ (۱۳۷۴) «حزب توده ایران؛ ۵۰ سال و ۳ سال»، گزارش، (۵۷)، ۵۳-۵۰.
- خسروپناه، محمدحسین (۱۳۸۴) «سرگذشت گریزناپذیر اتحادیه‌های مستقل کارگری اصفهان (۱۳۲۳-۱۳۲۱)»، گفت‌گو، (۴۳)، ۱۳۱-۹۶.
- دولت‌آبادی، حسام‌الدین (۱۳۵۰) «سیاست و تلاش»، وحید، آذر (۱ و ۲)، ۲۶-۳۱ و ۲۶-۲۸.
- _____ (۱۳۵۱) «سیاست و تلاش»، وحید، (۹ و ۱۰)، ۲۸-۳۴.
- رجایی، عبدالمهدی (۱۳۸۷) *تحولات عمران و مدیریت شهری اصفهان در دوره پهلوی اول*، اصفهان: شهرداری اصفهان.
- _____ (۱۳۹۳) *تحلیل وضعیت نساجی در تحولات شهری اصفهان (۱۳۰۰-۱۳۴۵)*، رساله دکتری گروه تاریخ، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- رجبی فرد، حسن؛ سلیمانی دهکردی، کریم (۱۴۰۰) «تقدم کنش صنفی بر فعالیت سیاسی؛ بررسی مواجهه طبقه کارگر صنعتی با اتحادیه‌های کارگری در اصفهان (۱۳۳۲-۱۳۲۰)»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، ۱۱(۲)، ۱۱۵-۱۳۸.
- شفقی، سیروس (۱۳۸۱) *جغرافیای اصفهان*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- شمیده، محرم‌علی (۱۳۷۳) *زندگی‌نامه شمیده*، به کوشش و ویرایش بهرام چوبینه، آلمان: چاپخانه مرتضوی.
- شهیدی، ابوالقاسم (۱۳۵۱) «انتخابات اصفهان در سال ۱۳۲۲ چگونه گذشت و چرا استاندار لال شد؟» وحید، (۱۷)، ۴۱-۵۰.
- _____ (۱۳۵۲) «چگونه استاندار اصفهان لال شد؟»، وحید، (۱۸)، ۱۱۴-۱۰۸.
- صدری، شمس (۱۳۳۰) *در راه وظیفه*، اصفهان: چاپخانه خدایی.
- فراهانی، حسن؛ بهبودی، هدایت‌الله (۱۳۹۳) *روزشمار تاریخ معاصر ایران*، جلد ۵، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- کتابی، احمد (۱۳۷۷) «نابسامانی‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اصفهان در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۴»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان (مطالعات و پژوهش‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی)*، دانشگاه اصفهان، ۲(۱۵)، ۱۶۸-۱۴۱.
- کیانی، ویدا (۱۳۷۱) «تحولات اتحادیه‌های کارگری در اصفهان (۱۳۳۳-۳۴)»، *گنجینه اسناد*، (۶ و ۵)، ۸۷-۷۲.
- لمبتن، آن (۱۳۶۲) *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.
- محرم‌خانی، فریبرز؛ عنبرمو، منصور (۱۳۹۳) «بررسی تأثیر مخیله ایرانی بر مارکسیسم حزب توده»، *تاریخ اسلام و ایران*، دانشگاه الزهرا (س)، ۲۴(۲۱)، ۱۱۷-۱۵۰.
- مدرسی، علی (۱۳۷۰) «بخش سیاسی - اقتصادی: پیرامون جریان‌شناسی تاریخ»، یاد، (۲۲)، ۹۱-۶۴.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۳، شماره ۵۷، بهار ۱۴۰۲ / ۳۳

منتظرالقائم، اصغر و دیگران (۱۳۹۳) *دانشنامه تحت فولاد*، جلد ۳، اصفهان: شهرداری اصفهان.
مهدوی، مصلح‌الدین (۱۳۶۷) *تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر*، قم: دارالهدایه.
_____ (۱۳۸۴) *دانشمندان و بزرگان اصفهان*، جلد ۱، اصفهان: گلدسته.
نورائی، مرتضی؛ رجایی، عبدالمهدی (۱۳۹۲) «حزب توده و جنبش کارگری اصفهان (۱۳۲۵-۱۳۲۰ش/۱۹۴۶-۱۹۴۱م)»، *سندپژوهی بهارستان*، (۱)، ۱۰۱-۱۳۶.
همایی شیرازی، جلال‌الدین (۱۳۹۰) *تاریخ اصفهان، حوادث و وقایع و سلاطین اصفهان*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ب. نشریات

ارژنگ، محل نشر اصفهان، صاحب امتیاز و سردبیر عبدالله وزیرزاده: شماره ۳، ۲۲ فروردین ۱۳۰۴.
اصفهان، محل نشر اصفهان، صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر امیرقلی امینی: شماره‌های ۵، ۲۲ فروردین ۱۳۲۲؛ ۲۶، ۱۷ مرداد ۱۳۲۲؛ ۴۸، ۹ آبان ۱۳۲۲؛ ۴۹، ۱۲ آبان ۱۳۲۲؛ ۵۲، ۲۳ آبان ۱۳۲۲؛ ۵۳، ۳۰ آبان ۱۳۲۲؛ ۵۵، ۳ آذر ۱۳۲۲؛ ۱۱۰۶، ۱۹ تیر ۱۳۴۲؛ ش ۳۴۲۸، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۴.
سرنوشت، محل نشر اصفهان، صاحب امتیاز و مدیر مسئول جواد مجدزاده صهبا: شماره‌های ۶، ۲۵ مهر ۱۳۲۲؛ ۹، ۱۶ آبان ۱۳۲۲؛ ۱۰، ۲۳ آبان ۱۳۲۲.
عرفان، محل نشر اصفهان، مدیر و صاحب امتیاز احمد عرفان: شماره‌های ۲۱۷۳، ۵ آبان ۱۳۲۲؛ ۲۱۸۴، ۲۵ آبان ۱۳۲۲.
نقش جهان، محل نشر اصفهان، صاحب امتیاز حسین نور صادقی: شماره‌های ۳۷، ۱ آبان ۱۳۳۲؛ ۳۹، ۸ آبان ۱۳۲۲؛ ۴۰، ۱۱ آبان ۱۳۲۲؛ ۴۴، ۲۵ آبان ۱۳۲۲.

پ. اسناد

- اسناد منتشر نشده

صمان (صورت مجلس انجمن نظار انتخابات) مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، اسناد انتخابات مجلس شورای ملی، دوره ۶ و ۱۴ و ۱۵ حوزه انتخابیه اصفهان، دوره ۱۴ حوزه انتخابیه شهرضا.

- اسناد منتشر شده

طیرانی، بهروز (۱۳۸۴) *اسناد احزاب سیاسی ایران (حزب توده)*، جلد ۲، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
مذاکرات مجلس شورای ملی (۱۳۲۶) دوره ۱۵، جلسه ۳، دی‌ماه.
مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۸۲)، *چپ در ایران*، به روایت اسناد ساواک، جلد ۱، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

URL(s)

URL1. ahetudeh.com/rahetude/yadbood/html/2006/mahmudboghrati.html

راه توده، پایگاه اینترنتی (۱۴۰۱) محمود بقراطی، تشکیلاتچی صبور و دوراندیش حزبی، شهریور ۱۴۰۰.

List of sources with English handwriting

- Abrahamian, Ervand (2005), *Iran between two revolutions*, Tehran: Ney Publications.
- Abtahi, Ali-Reza and Kimiyā Kashtiara (2013), A brief overview of the performance of Taqi Fadakar, a member of the Tudeh labor union in Isfahan (1320-1332 Š), *Scientific Journal of History Research*, No. 31.
- Afghari, Mohammad (2020), *Analysis of Political Participation During 5th to 24th Rounds of National Consultative Assembly Elections (1923-1978 A.D) (Case Study: Isfahan)*, Ph. D Thesis, Isfahan, University of Isfahan.
- Allah-yari, Freydun (2012), *Basics of Social History of Iran*, Abadan: Porseš Publications.
- Ann Lambton (1983), *Landlord and peasant in Persia*, Translated by Manouchehr Amiri, Tehrān: Elmī va Farhangī Publications.
- Barzin, Saeed (1994), Political class and demographic structure in Iran, *Journal of Political-Economic Information*, No. 81 & 82.
- Dowlatabadi, Hessem ul-Din (1971): *SPolitics and Efforts*, *Vahid memoris magazine*, No. 1 & 2.
- Dowlatabadi, Hessem ul-Din (1972): *Politics and Efforts*, *Vahid memoris magazine*, No. 9 & 10.
- Ezaz Nikpey, Aziz-Allah (1968), *Fate or Tact*, Tehran: Ebn-Sīnā Publications.
- Farahani, Hassan & Hedayatullah Behbudi (2014), *Journal of Contemporary History of Iran*, Vol. 5, Tehrān: Political Studies and Research Institute.
- Homāei Shirazi, Jallal-al-Din (2011), *History of Isfahan, events and sultans of Isfahan*, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Jaberi Ansari, Hassan (1942), *The history of Isfahan and Rey and the whole world*, Esfahan: Kerad Publications.
- Khmeei, Anwar (1993): *Anwar Khameei's political memoirs*, Tehran: Goftār Publications.
- Khmeei, Anwar (1995), *Tudeh Party of Iran; 50 years and 3 years*, *Gozāreš Journal*, No. 7.
- Ketabi, Ahmad (1998), The economic, political, social and cultural disturbances of Isfahan in the years 1320-24 Š, *Scientific Research Journal of Faculty of Literature and Human Sciences*, University of Isfahan, No. 15, 2nd round.
- Kiyani, Vida (1992), *Developments of labor unions in Isfahan (1333-34 Š)*, *Ganjīneh Asnād*, No. 5 & 6.
- Kosrowpanah, Mohammad Hossein (1384), *The inevitable history of the independent labor unions of Isfahan (1321-1323 Š)*, *Goftogū Quarterly*, No. 43.
- Mahdavi, Mosleh-al-Din (1988), *Scientific and social history of Isfahan in the last two centuries*, Qom, Dār-ul-Hidāyah Publications.
- Mahdavi, Mosleh-al-Din (2005), *Scientists and seniors of Esfahan*, Vol. 1, Esfahan: Goldasteh Publications.
- Modarresi, Ali(1991), *The political-economic part: about the flow of history*, *Yād Maganize*, No. 22.
- Montazer-al-Qaem and Others (2014), *Encyclopedia of Takht-e Fūlad*, Esfahan: Isfahan Municipality Publications.
- Moharamkhani, Fariborz & Mansour Anbarmoo (2014), *The impact of Iranian Fantasy on Marxism: A study on the Tudeh Party of Iran*, *History of Islam and Iran*, al-Zahra University, No 21.
- Nuraei, Morteza & Rajaei, Abd-al Mahdi (2013), *Tudeh Party and Labor Movement of Isfahan (1325-1320 Š/ 1941-1946 AD)*, *Journal of Bahārestan documents research*, No. 1.
- Parliament Members (1977), *The names of the parliament members from the beginning to the 24th round*, Tehran: n.p.
- Rāh-e Tūdeh Website (2022), Mahmud Buqrati, a patient organizer and party visionary, retrieved from:
<http://www.rahetudeh.com/rahetude/yadbood/html/2006/mahmudboghrati.html>

- Rajabifard, Hassan & Karim Soleimani Dehkordi (2021), Isfahan industrialization and the emergence of the working class, *Social History Researchs*, Year. 11, No. 2.
- Rajaei, Abd-al Mahdi (2008), *Urban Changes and Management of Isfahan in Pahlavi I Period*, Esfahan: Isfahan Municipality Publications.
- Rajaei, Abd-al Mahdi (2014), *The situation of textile industries on Iranian urban transition (1925 –1979) "A critical study"*, Ph. D Thesis, Isfahan, University of Esfahan.
- Sadri, Shams (1951): *Dar rah-e Vazīfeh (On the path of duty)*, Esfahan: Kōdāēī printery.
- Šafaqī, Sīrūs (2002), *Geography of Esfahan*, Esfahan: University of Isfahan Publications.
- Shahidi, Abu-al-Qassim (1972), *How did the Isfahan elections in 1322 Š go and why was the governor mute? Vahīd Magazine*, No. 17.
- Shahidi, Abu-al-Qassim (1973), *How the governor of Isfahan became mute? Vahīd Magazine*, No. 18.
- Shamideh, Moharam-Ali (1994), *Shamideh's biography*, By the effort and editing of Bahram Chobineh, Germany, Mūrtazavī printery.
- Tayrani, Behruz (2005), *Documents of political parties of Iran (Tudeh party)*, Vol. 2, Tehrān: National Library of Iran.
- The Center of Historical Documents Survey (2003), *Čap dar Īrān be revāyat Asnād Sāvāk (The left in Iran, according to SAVAK documents)*, Vol 1, Tehran: Ministry of Intelligence.
- Torabi Farsani, Soheyla & Maryam Tavasoli Kuhpaei (2009), *An Introduction to the Historiography of the Tudeh Party of Iran*, *Historical Perspective & Historiography*, al-Zahrā University, No. 4.

Newspapers:

- Aržang, Owned and Edited by Abd-al-Allāh Vazīrzādeh, Published in Esfahan. No. 3, 22 Farvardīn 1304 Š.
- Esfahan, Owned and Edited by Amīr-Gholī Amīnī, Published in Isfahan. No. 5, 22 Farvardīn 1322 Š; No. 26, 17 Mordād 1322 Š; No. 48, 9 Ābān 1322 Š; No. 49, 12 Ābān 1322 Š; No. 52, 23 Ābān 1322 Š; No. 53, 30 Ābān 1322 Š; No. 55, 3 Āzar 1322 Š; No. 1106, 19 Tīr 1342 Š; No. 3428, 17 Ordībehešt 1354 Š;
- Sarvešt, Owned and Edited by Javād Majdzādeh Sahbā, Published in Isfahan. No. 6, 25 Mehr 1322 Š; No. 9, 16 Ābān 1322 Š; No. 10, 23 Ābān 1322 Š;
- Erfān, Owned and Managed by Ahmad Erfān, Published in Isfahan. No. 2173, 5 Ābān 1322 Š; No. 2184, 25 Ābān 1322 Š;
- Naqš Jahān, Owned by Hūssein Nūrsadeqī, Published in Isfahan. No. 37, 1 Ābān 1322 Š; No. 39, 8 Ābān 1322 Š; No. 40, 11 Ābān 1322 Š; No. 44, 25 Ābān 1322 Š;

Unpublished Documents:

- Archive and Library of the Islamic Parliament
- Election monitoring commission reports of Isfahan constituency in 6th, 14th, 15th & Shahreza constituency in 14th rounds of parliamentary elections.



©2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

Fragile coalition; An analysis of the Tudeh party candidate's victory from the Isfahan constituency in the fourteenth round of National Consultative Assembly election (1943 A.D)¹

Mohammad Afghari²
Morteza Nouraei³

Received: 2022/12/28
Accepted: 2023/05/11

Abstract

After the occupation of Iran by the Allies in August 1941 and the resignation of Reza Shah, the fourteenth National Consultative Assembly election took place in a completely different atmosphere. During this election, the Tudeh party managed to secure some parliamentary seats mainly from the northern region that were under the occupation of the Soviet Army. However, one Tudeh party candidates, Taghi Fadakar, stood out in Isfahan. Isfahan Located at the center of the country, Isfahan was not within the infiltration zone of neighboring north. Moreover, it was unlikely for a leftist candidate to win in a constituency known for its traditional and conservative culture. Hence, a separate study is necessary to analyze the fourteenth parliamentary election in Isfahan.

The current research investigates the factors that were linked to the Tudeh party candidate's victory in this election and presents the hypothesis that the main factor behind the success of Taqi Fadakar was a fragile coalition with two other conservative candidates, who had strong conflicts with the Tudeh Party. Using a combination of quantitative and qualitative methods, by extracting data from the unpublished documents of the archive of the National Assembly, a statistical analysis of the vote counting results is presented. According to findings, despite the common belief, most of Taghi Fadakar's votes comes from rural parts of the constituency, not labor society of Isfahan. Therefore, without the coalition and rural votes, Fadakar's success would have been almost impossible.

Keywords: Tudeh Party, Election, The fourteenth round of National Consultative Assembly, Isfahan, Taghi Fadakar.

1. DOI: 10.22051/hii.2023.42330.2727

2. Postdoctoral researcher at University of Isfahan, Isfahan, Iran. (Corresponding Author). mohammad.afghari@gmail.com

3. Professor of History, Department of History & Iranology, University of Isfahan Isfahan, Iran. m.nouraei@tr.ui.ac.ir

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493